

سرزمین ایران که پل پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم شده و به‌ویژه روسیه شوروی را از شکست در مقابل ارتش هیتلر نجات داده بود، پس از پایان جنگ نه تنها سهمی از پیروزی متفقین نصیبش نشد، بلکه آثار و پیامدهای حضور اشغالگران تا سال‌ها بعد همچنان ادامه داشت. از جمله اینکه شوروی‌ها گویی در خاک ایران لنگر انداخته بودند و حاضر نمی‌شدند با دست خالی و بدون گرفتن امتیازاتی مانند نفت شمال یا خودمختاری آذربایجان، این سرزمین را ترک کنند. ماجرای تخلیه ایران از قوای روسیه با مسائل داخلی و خارجی دیگری هم پیوند خورد که یکی از آنها نخست‌وزیر شدن قوام‌السلطنه بود. روس‌ها نخست‌وزیری او را پیش‌شرط هرگونه مذاکره برای تخلیه ایران قرار دادند، اما سرانجام از این سیاستمدار کهنه‌کار ایرانی رودست خوردند و با دست خالی ایران را تخلیه کردند. در مقاله زیر این ماجرای پرفراز و نشیب مرور شده است.

کشور پهناور ایران، به خاطر موقعیت خاص جغرافیایی و استراتژیکی، همیشه مورد توجه دول استعمارگر بوده است. روزی که آتش جنگ جهانی دوم در اروپا زبانه کشید، ایران بی‌طرفی خود را اعلام کرد. پس از حمله هیتلر به کشور روسیه در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۰ م، دولت ایران مجدداً بی‌طرفی خود را تأیید و بر آن تأکید کرد. حمله عظیم آلمان به شوروی بر همه کس ثابت کرد که جز با کمک سریع انگلیس و امریکا بقای روسیه ممتنع است؛ اگر مسکو یعنی قلب روسیه سقوط می‌کرد، آلمان‌ها با فراغ باز می‌توانستند خود را برای تصرف جزایر بریتانیای کبیر آماده نمایند و انگلیسی‌ها را شکست دهند؛ به همین دلیل هم انگلیسی‌ها و هم امریکایی‌ها در آن لحظات سهمناک و حساس حاضر شدند که با شرایط بسیار آسان و ساده‌ای، با تمام قوا به روسیه، که رقیب دیرین آنها به شمار می‌رفت، کمک‌های حیاتی، اعم از ارسال مهمات و خواروبار و... نمایند. شرایط مساعد کشور بی‌طرف ایران توجه متفقین را برای ارسال کمک‌ها به شوروی، به خود جلب کرد و سرانجام آنها نقشه هجوم به خاک ایران را تهیه و طرح نمودند. به‌رغم کلیه مساعی ایران برای حفظ بی‌طرفی، در ۲۵ اوت ۱۹۴۱ م (۱۳۲۰.ش) قوای روس و انگلیس به خاک ایران حمله کردند. در این تهاجم، مراکز مهمی مانند تبریز، مشهد و شهرهای ساحلی دریای مازندران به اشغال ارتش شوروی درآمدند و سرانجام روز ۳۱ اوت، ارتش‌های شوروی و انگلیس در قزوین به یکدیگر ملحق شدند.

روس و انگلیس از همان ابتدای ورود به خاک ایران می‌کوشیدند به اشکال مختلف، به دولت و ملت ایران بقبولانند که ورودشان به ایران هرگز جنبه خصمانه و اشغال ندارد و هیچ‌گونه قصدی که

مخالف استقلال ایران یا تمامیت ارضی آن باشد، ندارند و اقدامات نظامی به‌هیچ‌وجه متوجه خود ایران نیست، بلکه متوجه تهدیدات آلمان‌ها به امنیت دولت شوروی و انگلیس و خود ایران است. در پی اعلامیه‌های دوستانه متفقین نسبت به ایران، آنان عهدنامه‌ای به ایران پیشنهاد کردند که با وجود مواد کمرشکن این پیمان برای دولت ایران، به منظور حفظ تمامیت ارضی و حل شدن این غائله از طریق دوستی و موافقت در ۹ بهمن ۱۳۲۰، پس از تصویب مجلس، به امضای سران سه کشور شوروی، انگلیس و ایران رسید.

فصل پنجم این عهدنامه، که مهم‌ترین موفقیت متفقین در جنگ به‌شمار می‌رفت، صراحتاً راجع به تخلیه ایران توسط دو دولت شوروی و انگلیس بود. این فصل بدین شرح بود: «پس از آنکه کلیه مخاصمه مابین دول متحده با دولت آلمان و شرکای آن به موجب یک یا چند قرارداد متراکه جنگ متوقف شد، دول متحده در مدتی که زیاد از شش ماه نباشد قوای خود را از خاک ایران بیرون خواهند برد و اگر پیمان صلح مابین آنها بسته نشد ولو اینکه قبل از شش ماه بعد از متراکه باشد، بلافاصله قوای خود را بیرون خواهند برد، مقصود از شرکای دولت آلمان هر دولت دیگری است که اکنون یا در آینده بنای مخاصمت گذاشته یا بگذارد»<sup>۱</sup>.

قبل از حمله کشورهای شوروی و انگلیس به ایران و بستن این عهدنامه، قراردادی نیز در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ م بین ایران و شوروی منعقد شده بود که طی ماده شش آن، شوروی با ایران علیه دشمنان خود هم‌پیمان شدند: «دولتین متعهدین موافقت حاصل کردند که هرگاه ممالک ثالثی بخواهند به وسیله دخالت مسلحه سیاست غاصبانه را در خاک ایران مجری دارند، یا خاک ایران را مرکز حملات نظامی بر ضد روسیه قرار دهند، و اگر ضمناً خطری سرحدات دولت اتحاد جماهیر شوروی روسیه و یا مستخدمین آن را تهدید نماید، و اگر حکومت ایران پس از اخطار دولت شوروی روسیه خودش نتواند این خطر را رفع نماید، دولت شوروی حق خواهد داشت قشون خود را به خاک ایران وارد نماید تا اینکه برای دفاع از خود، اقدامات لازمه نظامی را به عمل آورد. دولت شوروی روسیه متعهد است که پس از رفع خطر بلاد رنگ قشون خود را از ایران خارج کند»<sup>۲</sup>.

بدین ترتیب دولت شوروی، با رضایت کامل ایران، دفاع منافع اتحاد جماهیر شوروی و ایران را، در صورت وجود خطر، در عهدنامه ۱۹۲۱، به عهده گرفت و در همان حال تعهد خود را دایر به خارج کردن قشون خود از خاک ایران، به محض برطرف شدن خطر، تأیید نمود.

در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۴ / ۸ مه ۱۹۴۵ نمایندگان نیروهای سه‌گانه ارتش آلمان قرارداد تسلیم بی‌قید و شرط را با فرماندهان متفقین در فرانسه

امضا کردند و جنگ جهانی دوم به پایان رسید. در ۲۹ اردیبهشت دولت ایران طی یادداشت‌هایی، پیروزی در جنگ را به سه دولت بزرگ متفق تبریک گفت و ضمناً از فرصت استفاده کرد و خاطر نشان ساخت که طبق قولی که در کنفرانس تهران داده شده بود، پس از پایان مخاصمات در اروپا، دیگر لزومی به ماندن نیروهای متفقین در ایران نیست و بهتر است هرچه زودتر خاک ایران را تخلیه کنند. ملت ایران یقین داشتند متفقین با عمل تخلیه ایران، قبل از خاتمه جنگ با ژاپن، اولین هدیه پیروزی را به آنان خواهند داد، اما یادداشت‌های دولت ایران بی‌جواب ماند.

در کنفرانس پتسدام، که از ۱۷ ژوئیه الی ۲ اوت ۱۹۴۵ ( ۲۶ تیر الی ۱۱ مرداد ۱۳۲۴)، بین سران سه کشور بزرگ در حومه پایتخت سابق رایش آلمان برگزار شد، مسئله تخلیه ایران از نیروهای بیگانه مطرح گردید، اما شوروی‌ها به بهانه اینکه هنوز جنگ با ژاپن خاتمه نیافته است با آن موافقت ننمودند؛ بنابراین در اعلامیه نهایی کنفرانس چنین قید شد: «موافقت شد که سربازان متفقین فوراً از تهران عقب‌کشیده شوند و مراحل بعدی عقب‌نشینی سربازان از ایران در گردهمایی وزیران خارجه سه کشور، که در اول سپتامبر ۱۹۴۵ م در لندن برپا خواهد شد، مورد رسیدگی قرار گیرد».<sup>۲</sup>

در ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ / ۲ سپتامبر ۱۹۴۵ م، که ژاپن نیز به دنبال بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی بدون قید و شرط تسلیم شد و آتش جنگ در سرتاسر جهان خاموش شد، دیگر بهانه‌ای برای ادامه اشغال ایران باقی نمانده بود، از همین رو دولت ایران مجدداً طی یادداشت مورخ ۲۱ شهریور همان سال، تقاضای خود را در مورد تخلیه قوای متفقین تکرار کرد. در کنفرانس وزیران خارجه سه کشور بزرگ، که چند روز قبل از آن در لندن برگزار شده بود، شوروی‌ها باز در این باره بهانه‌جویی کردند، تا اینکه ارنست بوین، وزیر خارجه بریتانیا، پیشنهاد کرد که تخلیه ایران طبق ماده پنج پیمان سه‌جانبه ایران، انگلیس و شوروی مورخ ۹ بهمن ۱۳۲۰ درست شش ماه پس از پایان یافتن جنگ با ژاپن، یعنی در ۱۲ اسفند ۱۳۲۴ / ۲ مارس ۱۹۴۶ خاتمه پذیرد. وزیران خارجه شوروی و آمریکا با این پیشنهاد موافقت کردند و سه دولت بزرگ طی یادداشتی تصمیم خود را به ایران اطلاع دادند.

هنوز ۲۴ ساعت از صدور اعلامیه کنفرانس لندن نگذشته بود که دسته‌های مسلحی در شهرهای آذربایجان به قیام مسلحانه دست زدند، پاسگاه‌های ژاندارمری را اشغال و تأسیس فرقه دموکرات

آذربایجان را اعلام کردند. حزب توده بلافاصله پشتیبانی خود را از فرقه دموکرات آذربایجان اعلام نمود. عوامل فرقه دموکرات توانستند بسیاری از شهرهای کوچک و بزرگ آذربایجان را در دست بگیرند. رهبران این شورش از مساعدت شوروی بی‌بهره نبودند.

دولت ایران طی یادداشتی در ۲۶ آبان ۱۳۲۴ به مداخله مأموران کشوری و لشکری شوروی در امور داخلی ایران و حمایت از فرقه دموکرات اعتراض کرد و یک تیپ پیاده همراه یک واحد تانک برای تقویت پادگان تبریز، که در محاصره دموکرات‌ها بود، فرستاد، اما نیروهای شوروی این قوا را در شریف‌آباد، در حومه قزوین، متوقف ساختند و مانع از عبور آنان گردیدند.



علت اصلی این اقدامات و بهانه‌جویی‌های شوروی مسئله نفت شمال بود که سال قبل امتیاز آن را از دولت ایران تقاضا کرده، ولی در نتیجه تلاش‌های دکتر مصدق، با مخالفت مجلس روبه‌رو و رد شده بود. بدین جهت این دولت بدون اعتنا به اعتراضات ایران همچنان نقشه‌هایشان را دنبال می‌کرد.

در ۲۱ آذر ۱۳۲۴ پادگان تبریز تسلیم شد و سید جعفر پیشه‌وری، رهبر فرقه دموکرات، تأسیس حکومت خودمختار آذربایجان را اعلام کرد. در این حال دولت ایران چاره‌ای ندید مگر اینکه به شورای امنیت سازمان ملل متحد شکایت کند. شورای امنیت، پس از مباحثات مختلف درباره قضیه ایران، که طی آن

نماینده شوروی، اظهارات ایران را تکذیب کرد و فقط اقرار نمود که از ورود ارتش این کشور به آذربایجان ممانعت کرده است، روز ۳۰ ژانویه این‌گونه تصمیم گرفت که ایران و شوروی خود مستقیماً وارد مذاکره شوند و قضیه را حل نمایند. تنها توفیقی که در شورای امنیت نصیب ایران شد این بود که تمام دنیا به مداخله و اعمال نفوذ شوروی در ایران پی بردند و شورای امنیت نیز حق کسب اطلاع از سیر مذاکرات ایران و شوروی را برای خود محفوظ نگاه داشت.

در این اثنا بر اثر فشارهای وارد شده، ایران گرفتار بحران کابینه شد. دولت حکیمی، چون خود را در حل کشمکش ایران و روسیه ناتوان می‌دید و نیز از آنجا که نتوانست در برابر فشار و تحریکات شوروی مقاومت کند، روز ۲۳ ژانویه ۱۹۴۶ استعفا کرد. در این اوضاع کشور ایران به طور جدی به نخست‌وزیری نیاز داشت که بتواند با سیاست‌های مدیرانه و آگاهی کامل از شرایط ایران و اوضاع بین‌المللی به امور رسیدگی کند و ایران را از اشغال بیگانگان رها سازد. شاه، برخلاف میل خود، از میان سیاستمداران قدیم، احمد قوام را برای نخست‌وزیری ایران انتخاب نمود.

### نخست وزیر قوام

احمد قوام در میان رجال قدیم شخصیتی معماگونه دارد. او خود را سیاستمداری جهانی همنای استالین، چرچیل و ترومن نشان می‌داد. وی همواره این امید را می‌داد که مسائل سرانجام خوشی خواهد داشت، با وجود این، واقع‌گرایی خونسرد و آگاه به مسائل سیاسی بود و می‌دانست که اوضاع پرخطر سیاسی آن روز ممکن است برای خود او و کشورش بدترین نتیجه ممکن را دربرداشته باشد. قوام دوران نخست‌وزیری خود را از ۲۹ بهمن ۱۳۲۴ با چهار موضوع عمده آغاز کرد: نخست اینکه بیش از برگزیده شدن وی به نخست‌وزیری، در نتیجه لایحه قانونی مصدق، انتخابات مجلس پانزدهم، به واسطه ادامه حضور سربازان شوروی، تا تخلیه کامل ایران به تعویق افتاد؛ دوم، شوروی‌ها به او اعتماد نشان می‌دادند و تأکید می‌کردند که با هیچ کس دیگری درباره عقب‌نشینی نیروها مذاکره نخواهند کرد؛ سوم، او هم از حمایت یاران اشرافی خود در شمال و هم حزب توده و دو حکومت خودمختار در تبریز و مهاباد برخوردار بود، چهارم، قوام و حامیانش بسیاری از وزارتخانه‌های مهم را در دست داشتند. قوام مجهز به این امتیازات تصمیم گرفت نخست مهار مسائل خارجی را در دست گیرد، بنابراین در پی این تصمیم خود، بامداد روز ۲۹ بهمن در رأس هیئتی عازم مسکو گردید.

## سفر به مسکو

هیئت اعزامی به مسکو عبارت بودند از: حمید سیاح (وزیر سابق)، جواد عامری (وزیر سابق و نماینده مجلس شورای ملی)، دکتر صادق رضازاده شفق (نماینده مجلس)، عبدالحسین نیکپور (رئیس اتاق بازرگانی و نماینده مجلس)، سلمان اسدی (معاون سابق وزیر و نماینده ادوار گذشته مجلس)، حسن پیرنظر (مدیرکل وزارت امور خارجه)، کمال دزی (نماینده مجلس شورای ملی)، ابوالحسن عمیدی نوری (مدیر روزنامه «داد»)، جهانگیر تقضلی (مدیر روزنامه «ایران ما»)، قاسم مسعودی (سر دبیر ژورنال در تهران) و حمید رضوی (نماینده خبرگزاری پارس).

این هیئت روز سه شنبه ۳۰ بهمن وارد مسکو گردید و با استقبال گرم اتباع شوروی روبه‌رو شد. ابتدا نخست‌وزیر ایران و اعضای هیئت‌های سیاسی و اقتصادی همراه او با آقای مولوتف، کمیسر امور خارجه شوروی، ملاقات نمودند و مذاکراتی بین دو طرف انجام شد. روز بعد نخستین ملاقات قوام با استالین در کاخ کرم‌لین انجام پذیرفت. در این دیدار قوام علت مسافرتش به مسکو را بدین صورت بیان کرد: «من برای مباحثه حقوقی و استناد به معاهدات، که هریک به جای خود هست، نیامده‌ام، بلکه با یک نیت صادقانه و دوستانه آمدم که از شما خواهش کنم مقدمه و شرط اصلی مشروع و روابط دوستی و حل مشکلات بین ایران و شوروی است با یک اراده فراهم کنید». سپس درباره غائله آذربایجان و تخلیه کامل ایران از نیروهای روسی سخن به میان آورد. استالین در پاسخ قوام‌السلطنه دو پیشنهاد قوام را رد کرد و اظهار نمود: «آنچه موضوع تخلیه ایران است عجالتاً نمی‌توانیم انجام دهیم؛ زیرا به موجب ماده ۶ معاهده ۱۹۲۱ حق داریم قوایی را در ایران نگاه داریم، اما موضوع آذربایجان، یک موضوع داخلی است که ما مداخله نداریم، ولی خودمختاری در آنجا چه ضرری دارد و مغایر با استقلال ایران نیست و اساساً ما نظر ارضی نسبت به ایران نداریم». طی این جلسه حضوری، استالین مسائل مختلفی را با احمد قوام در میان گذاشت از جمله، مسئله نفت شمال و رعایت نشدن موازنه مثبت در مورد دادن امتیاز نفت به روسیه در مقابل آمریکا و انگلیس و همچنین سیاست خصمانه ایران نسبت به روسیه در طی درخواست‌های هیئت اعزامی ایران به پاریس بعد از جنگ جهانی اول و...

مهم‌ترین درخواست روس‌ها و انگیزه آنها از تخلیه نکردن ایران مسئله نفت بود و چنین به نظر می‌رسد که باقی مسائل مطرح شده نوعی بهانه‌جویی بود. احمد قوام، در پاسخ به مسائل مطرح شده توسط استالین، دو مطلب را مدنظر قرار داد: اول، اهتمام خاص صمیمانه برای جلب رضایت و موافقت همسایه ایران، حتی در مسائلی که حق مطلق ایران

بود، دوم اینکه در سراسر مذاکرات، عملی شدن و تحقق هرگونه توافقی بین دو طرف تخلیه کشور از نیروی شوروی را مشروط به مطابقت با قانون اساسی ایران و تصویب مجلس شورای ملی شناخت؛ بدین معنا که کلیه مذاکرات و توافق‌های بین دو طرف، براساس قانون اساسی ایران، بدون تطابق با قوانین کشور و تصویب مجلس هیچ‌گونه ارزش قانونی نخواهد داشت.

علاوه بر مذاکرات شفاهی درباره موضوعات و مسائل ذکر شده، دو دولت بیانیه‌هایی نیز برای یکدیگر فرستادند.

در اولین بیانیه ایران، نکات زیر عنوان شد:

«۱- نیاز فوری کشور به تخلیه کامل ایران از قوای شوروی، چراکه حل مشکلات موجود در جامعه منوط به این امر می‌باشد؛ زیرا برای حل معضلات موجود و همچنین هرگونه اصلاحات در زمینه روابط سیاسی و اقتصادی فی مابین دو کشور باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد و تا زمانی که قوای متفقین خاک ایران را تخلیه نکنند به موجب قانون منع انتخابات، که در مجلس چهاردهم گذشته، انتخابات دوره پانزدهم مجلس صورت نخواهد گرفت.

۲- موضوع آذربایجان: آذربایجان بر طبق سوابق تاریخی و قانون اساسی جزء لاینفک ایران است و هیچ‌گونه مجوز تاریخی یا قانونی برای نهضت خودمختاری و اقدامات خلاف قانونی که در آنجا انجام گرفته و موجب ایراد لطمه و صدمه به تمامیت ارضی ایران گردیده، وجود ندارد. موضوع آذربایجان با رعایت شرط اصلی مربوط به حفظ تمامیت ارضی ایران، با اجرای یک رشته اصلاحات به شرح ذیل، قابل حل است: اعلان عفو عمومی برای کلیه اشخاصی که در نهضت خودمختاری آنجا شرکت داشته‌اند؛ انتخاب فوری انجمن ایالتی با داشتن اختیارات زیر: حق نظارت در تنظیم بودجه محلی و در خرج و دخل مالیاتی، وضع مالیات محلی برای مصارف محلی از قبیل راه‌سازی و امور فرهنگی و بهداشتی و...، حق نظارت در فروش و تغییر و نقل و انتقال املاک عمومی دولتی در استان آذربایجان با رعایت قوانین و مقررات موجوده در این باب، اظهار نظر در تعیین رؤسای پاره‌ای از ادارات دولتی از قبیل شهرداری و رئیس فرهنگ و رئیس شهربانی و رئیس بهداشتی حتی استاندار.

۳- موضوع پیشروی نیروهای مسلح آذربایجان به سمت گیلان و تصرف قصبه هشت‌پر، که بر این اساس دولت ایران تقاضای صدور دستورات لازم برای مأمورین نظامی شوروی در گیلان را دارد تا از آزادی عمل ژاندارم‌های ایران در گیلان ممانعت نمایند و همچنین موافقت نمایند نیروی کمکی از تهران برای ایجاد امنیت به گیلان اعزام شود». در جواب، آقای مولوتف بیانیه‌ای به شرح ذیل از طرف دولت شوروی ارسال کرد:

مهم‌ترین درخواست روس‌ها و انگیزه آنها از تخلیه نکردن ایران مسئله نفت بود و چنین به نظر می‌رسد که باقی مسائل مطرح شده نوعی بهانه‌جویی بود

## قوام در جواب این بیانیه مجدد خاطر نشان ساخت که اعلان خودمختاری و تأسیس دولت مستقل در آذربایجان برخلاف قانون اساسی است و آذربایجان جزء لاینفک ایران است

«۱- راجع به مسئله آذربایجان: در استان آذربایجان حکومت خودمختار برقرار گردد. این حکومت در استان عبارت خواهد بود از انجمن ایالتی آذربایجان و دولت ایالتی آذربایجان که از طرف انجمن انتخاب خواهد گردید و در ولایات انجمن‌های ولایتی و کمیته‌های اجرایی آنها. انتخابات انجمن‌ها بر طبق مقرراتی به عمل خواهد آمد که فعلاً در آذربایجان وضع شده است؛ دولت ایالتی آذربایجان تشکیل می‌شود از: نخست‌وزیر و وزارتخانه‌های کشاورزی، پیشه و هنر، بازرگانی، کشور، دارایی، کار، فرهنگ، بهداشتی و همچنین ادارات حمل‌ونقل و شهربانی و دوایر دادگستری و دادستانی؛ اهالی آذربایجان حق خواهند داشت در امور اداری محلی و تدریس در مدارس و محاکمات و... از زبان محلی استفاده نمایند، نخست‌وزیر دولت ایالتی آذربایجان در عین حال سمت استانداری استان آذربایجان را خواهد داشت که با تصویب دولت ایران خواهد شد؛ فرمانده پادگان نظامی ایالتی آذربایجان از طرف دولت ایران با جلب موافقت دولت ایالتی آذربایجان تعیین می‌گردد. در قسمت نفقات واحدهای نظامی، اصول دستجات ملی و محلی معمول خواهد گردید؛ ارتباط دولت ایالتی آذربایجان با مرکز به زبان فارسی خواهد بود؛ در مورد تعیین عواید مالیاتی و درآمدهای بودجه آذربایجان ایران ۷۰ درصد عواید آذربایجان به بودجه دولت ایالتی آذربایجان تخصیص داده خواهد شد؛ دولت ایران آزادی عمل تشکیلات دموکراسی از قبیل حزب دموکرات آذربایجان ایران و اتحاد پیشه‌وران و... را در آذربایجان ایران تأیید می‌نماید؛ در موقع انتخاب مجلس شورای ملی به تعداد نمایندگان آذربایجان به نسبت واقعی استان مزبور افزوده خواهد شد.

۲- راجع به امتیاز نفت: دولت شوروی برای حسن استقبال از تمایل دولت ایران حاضر است از پیشنهاد واگذاری امتیاز نفت در نواحی شمالی ایران صرف‌نظر نماید و در عوض پیشنهاد می‌کند شرکت مختلط ایران و شوروی برای اکتشافات و استخراج مشتقات نفت در شمال ایران تشکیل شود، به این ترتیب که ۵۱ درصد سهام متعلق به طرف شوروی و ۴۹ درصد متعلق به طرف ایران خواهد بود.

۳- راجع به توقف قوای نظامی شوروی در ایران: دولت شوروی در نظر دارد از تاریخ ۲ مارس جاری به خروج قوای خود از بعضی نواحی ایران شروع نماید و اما راجع به بقیه قوای شوروی، این قوا موقتاً بر طبق عهدنامه ایران و شوروی مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ در ایران خواهد ماند و قوای شوروی موقعی خاک ایران را به کلی تخلیه خواهند نمود که دولت ایران کلیه اقدامات خصمانه و تبعیض را نسبت به دولت شوروی از میان ببرد و در شمال ایران آرامش برقرار نماید و سیاست دوستانه نسبت به دولت شوروی اتخاذ نماید»<sup>۲</sup>.

قوام در جواب این بیانیه مجدد خاطر نشان ساخت که اعلان خودمختاری و تأسیس دولت مستقل در آذربایجان برخلاف قانون اساسی است و آذربایجان جزء لاینفک ایران است. همچنین در مورد اشاره به عهدنامه ۲۶ فوریه ۱۹۲۱، به خود ماده ۶ عهدنامه استناد ورزید که طبق این ماده فقط زمانی دولت شوروی می‌تواند قوای خود را در خاک ایران نگاه دارد که دولت ثالثی بخواهد عملاً ایران را وسیله تجاوز به ممالک اتحاد جماهیر شوروی قرار دهد و دولت ایران هم از عهده جلوگیری از آن برنیاید. او در موضوع نفت و تشکیل شرکت مختلط نیز مخالفت صریحی نکرد و اجرا شدن این مسئله را به تشکیل مجلس دوره پانزدهم و تصویب آن منوط دانست، که همه اینها در گرو تخلیه ایران از قوای شوروی است.

جواب‌های قوام نه تنها بهبودی در سیر مذاکرات حاصل نکرد، بلکه سبب شد دولت شوروی بیانیه تندتری صادر کند که انصراف خود را از پیشنهاد تشکیل یک شرکت مختلط نفتی اعلام و مجدداً اخذ امتیاز نفت شمال را تقاضا نمود و مسئله آذربایجان را نیز داخلی دانست و با رد پیشنهادات دولت ایران، قضیه وساطت شوروی را منتفی اعلام کرد. درباره حضور قوای شوروی در خاک ایران و استناد قوام به ماده ۶ عهدنامه ۱۹۲۱، که حضور آنها را بی‌مورد دانست، بهانه جدیدی آورد مبنی بر اینکه در محافل ایران رجال سیاسی مشهوری وجود دارند که می‌کوشند بین اتحاد جماهیر شوروی و دولت‌های دیگر مشکل ایجاد کنند تا از این اختلافات استفاده و آذربایجان شوروی، بادکوبه و ترکمنستان را تصرف نمایند. این گفته خود را به یادداشت دولت ایران - به نخست‌وزیری صمصام‌السلطنه - در کنفرانس پاریس سال ۱۹۱۹ مستند کرد که طی آن تقاضا شده بود آذربایجان شوروی با شهر بادکوبه و ترکمنستان شوروی با شهرهای عشق‌آباد، مرو و قسمتی از ارمنستان با شهر ایروان و... به ایران واگذار شود. همچنین به واگذاری امتیاز نفت شمال ایران به انگلیسی‌ها و امتیاز نفت جنوب به امریکایی‌ها اشاره کردند تا بر این گفته خود صحه گذارند.

این بیانیه سبب دلسردی قوام نسبت به سیر مذاکرات شد؛ زیرا دولت شوروی پیشنهاد نسبتاً مساعد خود درباره نفت را پس گرفته و در مورد مسائل دیگر نیز حالت تهاجمی به خود گرفته بود. قوام کوشید از طریق دوستی و مودت، رابطه‌ای محکم و خلل‌ناپذیر بین دو ملت ایجاد نماید، از همین‌رو تمام هم خود را بر آن گذاشت تا نتیجه مثبتی از مذاکرات بگیرد. وی، بعد از بررسی‌های مکرر، جوابیه‌ای تنظیم و ارسال کرد. در این جوابیه، قوام درباره نفت و تشکیل شرکت مختلط ایران و شوروی اظهار علاقه نمود و در عین



حال مجدداً به این امر اشاره کرد که تشکیل این قبیل شرکت‌ها ولو آنکه طرف از اتباع ایران باشد، باید طبق قانون اساسی ایران به تصویب مجلس شورای ملی برسد؛ همچنین این نکته را خاطرنشان کرد که اعطای امتیاز از حقوق مربوط به حق حاکمیت و استقلال کشور است و باید به تصویب مجلس برسد و اگر در گذشته، یعنی پیش از مشروطیت ایران، با شرایط آن زمان امتیازی داده شده است، این امر را نمی‌توان فعلاً تبعیض نسبت به دولت شوروی دانست، وی، دربارهٔ استقرار قوای شوروی در ایران، به اصل ۱۰۶ قانون اساسی ایران استناد کرد که براساس آن، توقف و عبور قوای بیگانه در خاک ایران به اجازهٔ مجلس منوط است و قرارداد سه‌گانه، که توقف قوای متفقین در خاک ایران را در موقع جنگ جایز می‌دانست، نیز به تصویب مجلس رسیده است. طبق مادهٔ ۵ این قرارداد، نیروهای متفقین تا ۲ مارس ۱۹۴۶ م. می‌بایست خاک ایران را تخلیه می‌کردند. در اعلامیهٔ تهران، که به امضای شخص استالین رسیده بود — و نیز طبق اعلانات مکرر اتحاد جماهیر شوروی در محافل بین‌المللی — آنها وعده داده بودند که طبق تعهد صریح پیشین، کلیه قوای خود را از خاک ایران ببرند، از همین رو ادامهٔ توقف بعد از آن تاریخ بر خلاف تعهدات شوروی و اصل ۱۰۶ قانون اساسی ایران بود. دربارهٔ یادداشت دولت صمصام‌السلطنه، قوام به این نکته اشاره کرد که بعضی اقدامات زامانداران ایران در ۲۷ سال پیش در نتیجهٔ مظالم دولت روسیهٔ تزاری بوده است و نمی‌تواند دلیل قانع‌کننده‌ای برای خصومت ایران با شوروی در عصر حاضر باشد.

پس از این مذاکرات و صادر شدن بیانه‌های مختلف، احمد قوام و دولت ایران امید داشتند در ۱۱ اسفند ۱۳۲۴/۲ مارس ۱۹۴۶، طبق پیمان سه‌گانه، دولت شوروی خاک ایران را به طور کامل تخلیه کند، ولی در کمال ناپاوری اعلامیه‌ای مبنی بر تخلیهٔ نیروهای شوروی از نواحی خراسان، شاهرود و سمنان از طرف آژانس تاس در روزنامهٔ «ایزوستیا» انتشار یافت. بدین‌گونه قسمتی از این قوا در نواحی شمالی ایران باقی ماندند. در پی این اعلامیه قوام مراتب اعتراض خود را رسماً هم شفاهی نزد استالین بیان کرد و هم به صورت کتبی اعلام نمود.

مذاکرات ایران و شوروی، هرچند به نتایج قاطع و مثبتی منجر نشد، در پایان آن، با تعیین سادچیکف به عنوان سفیر کبیر جدید شوروی در ایران امید آن بود که ادامهٔ این مذاکرات در تهران به ثمر برسد.

### ورود سادچیکف به ایران

روز ۱۶ اسفند ۱۳۲۴ هیئت اعزامی با هوپایما به طرف ایران حرکت نمود. پس از بازگشت قوام، مجلس آخرین روزهای حیات خود را به سر می‌برد، از همین رو نخست‌وزیر ایران درخواست نمود

جلسه‌ای خصوصی در ۲۱ اسفند برگزار شود تا در آن به نمایندگان مجلس شورای ملی گزارشی از سفر خود به مسکو بدهد. در آن جلسه، قوام بعد از دادن گزارش، به این مسئله اشاره کرد که هرچند نتیجهٔ قطعی و رضایت‌بخشی از مذاکرات مسکو حاصل نشده، زمینه برای حل اختلافات دو کشور فراهم گردیده و امید است با اعزام سفیر کبیر جدید شوروی، که با اختیارات تام به تهران خواهد آمد، موجبات تخلیهٔ ایران از قوای شوروی و تأمین استقلال و تمامیت ارضی کشور فراهم گردد.

سادچیکف، سفیر کبیر جدید شوروی، روز ۲۹ اسفند ۱۳۲۴ وارد تهران شد و پیرو مذاکرات مقدماتی در مورد تشکیل شرکت نفت مختلط ایران و شوروی، موافقت‌نامه‌ای در هفت ماده بین نخست‌وزیر ایران و سفیر کبیر شوروی در ۱۵ فروردین ۱۳۲۵ امضا شد. براساس این موافقت‌نامه مقرر گردید شرکت مختلطی به منظور تجسس اراضی نفت‌خیز در شمال ایران و بهره‌برداری از آنها بین ایران و شوروی تشکیل شود. مدت عملیات شرکت پنجاه سال تعیین و مقرر گردیده بود در مدت ۲۵ سال اول عملیات شرکت، ۴۹ درصد سهام متعلق به ایران و ۵۱ درصد سهام متعلق به شوروی، و در مدت ۲۵ سال دوم، ۵۰ درصد سهام متعلق به ایران و ۵۰ درصد متعلق به شوروی باشد. در پایان موافقت‌نامه نیز قید شده بود که قرارداد شرکت نفت مختلط ایران و شوروی، که بعداً مطابق این توافق‌نامه عقد می‌شود، به مجردی که نمایندگان مجلس شورای ملی ایران انتخاب شدند و این مجلس عملیات قانون‌گذاری خود را آغاز کرد، درهرحال نه دیرتر از مدت هفت ماه از تاریخ ۲۴ مارس سال جاری، برای تصویب، پیشنهاد خواهد شد. تنفیذ و اجرای موافقت‌نامهٔ مربوط به تشکیل شرکت مختلط نفتی ایران شوروی به تصویب مجلس شورای ملی موکول شده و چون دولت ایران تأکید کرده بود که برگزاری انتخابات مجلس، قبل از تخلیهٔ کامل ایران از نیروهای بیگانه، ممکن نیست، هم‌زمان با امضای موافقت‌نامهٔ مربوط به بهره‌برداری مشترک از نفت شمال، اعلامیهٔ مشترکی نیز به شرح ذیل از طرف دو دولت انتشار یافت:

۱- قسمت‌های ارتش سرخ از تاریخ ۲۴ مارس ۱۹۴۶، یعنی ۴ فروردین ۱۳۲۵، در ظرف یک ماه و نیم خاک ایران را تخلیه می‌نمایند؛ ۲- قرارداد ایجاد شرکت مختلط نفت ایران و شوروی و شرایط آن از تاریخ ۲۴ مارس تا انقضای هفت ماه برای تصویب به مجلس پانزدهم پیشنهاد خواهد شد؛ ۳- راجع به آذربایجان، چون امر داخلی ایران است، ترتیب مسالمت‌آمیزی برای اجرای اصلاحات بر طبق قوانین موجود و با روح خیرخواهی نسبت به اهالی آذربایجان بین دولت و اهالی آذربایجان داده خواهد شد.<sup>۸</sup>

### آغاز مذاکرات

هم‌زمان با آغاز تخلیهٔ ایران از طرف نیروهای شوروی، قوام‌السلطنه طبق قول و قرارهای که با شوروی‌ها گذاشته بود، با حکومت فرقهٔ دموکرات در آذربایجان تماس حاصل کرد و پیشه‌وری، مدعی نخست‌وزیری آذربایجان، را برای مذاکره به تهران دعوت نمود. قوام، چه در مذاکرات مسکو و چه در ملاقات‌های مکرر با سادچیکف، به این نتیجه دست یافته بود که همسایهٔ شمالی ایران میل دارد قضایای آذربایجان به صورت مسالمت‌آمیزی حل گردد، از این رو قبل از اینکه پیشه‌وری به تهران وارد شود، روز ۱ اردیبهشت ۱۳۲۵ تصمیماتی دربارهٔ آذربایجان گرفت و اعلامیه‌ای به شرح زیر صادر کرد: «اختیاراتی که در قانون مصوب ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ ق. به موجب اصل ۲۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲ و ۹۳ متمم قانون اساسی برای انجمن‌های ایالتی و ولایتی تصویب شده در آذربایجان به طریق ذیل تصریح و تأیید می‌گردد: ۱- رؤسای کشاورزی و بازرگانی و پیشه و هنر و حمل‌ونقل محلی و فرهنگ و بهداشتی و شهرستانی و دوایر دادرسی و دادستانی و ناظر دارایی به وسیلهٔ انجمن‌های ایالتی و ولایتی انتخاب و مطابق مقررات، احکام رسمی آنها از طرف دولت در تهران صادر خواهد شد؛ ۲- تعیین استاندار با جلب نظر انجمن ایالتی، با دولت خواهد بود و نصب فرماندهی قوای نظامی و ژاندارمری از طرف دولت به عمل خواهد آمد؛ ۳- زبان رسمی آذربایجان مانند سایر نواحی کشور ایران، فارسی می‌باشد و کارهای دفاتر در اداره‌های محلی و کارهای دوایر دادگستری به زبان‌های فارسی و آذربایجانی (ترکی) صورت می‌گیرد، اما تدریس در پنج کلاس ابتدایی در مدارس به زبان آذربایجانی صورت می‌گیرد؛ ۴- هنگام تعیین عایدات مالیاتی و اعتبارات بودجهٔ کشور، دولت دربارهٔ آذربایجان ضرورت بهبود آبدادی و عمران شهرها و اصلاح کارهای فرهنگی و بهداشتی و... را در نظر خواهد گرفت؛ ۵- فعالیت سازمان‌های دموکراتیک در آذربایجان و اتحادیه‌ها و... مانند سایر نقاط کشور آزاد است؛ ۶- نسبت به اهالی و کارکنان دموکراسی آذربایجان برای شرکت آنها در نهضت دموکراتیک در گذشته تضییقات به عمل نخواهد آمد؛ ۷- با افزایش عدهٔ نمایندگان آذربایجان به تناسب جمعیت حقیقی آن ایالت موافقت حاصل است و در بدو تشکیل دورهٔ پانزدهم تقنینه پیشنهاد لازم در این باب به مجلس تقدیم خواهد شد که پس از تصویب کسری عده برای همان دوره انتخاب شود. نخست‌وزیر — قوام‌السلطنه».

روز ۸ اردیبهشت ۱۳۲۵، هیئتی به ریاست سیدجعفر پیشه‌وری، از آذربایجان به تهران آمد. از طرف دولت مرکزی مظفر فیروز، معاون سیاسی نخست‌وزیر، سمت میهماندار و مذاکره با این هیئت را عهده‌دار بود. پیشه‌وری و هیئت همراه به مدت پانزده روز در تهران اقامت کردند. صبح روز

دوشنبه ۲۳ اردیبهشت، هیئت نمایندگی آذربایجان از تهران با هواپیمای به جانب تبریز عزیمت کرد.

پس از مذاکرات پانزده روزه دولت با هیئت نمایندگی آذربایجان، قوام اعلامیه ذیل را، روز بعد، صادر و منتشر کرد: «در این موقع که افکار عمومی منتظر و متوجه جریان مذاکرات بین دولت و نمایندگان آذربایجان می‌باشد، لازم می‌دانم نتیجه مذاکرات پانزده روزه را به استحضار عامه رسانیده تا اذهان عموم را به وسیله تشریح حقایق روشن سازم. بر خود آقایان نمایندگان اهالی آذربایجان، که به تهران آمدند، پوشیده نیست که این جانب با کمال حسن نیت و رویه مسالمت، به منظور حل مسائل مورد بحث، مساعی لازمه را مبذول داشته و کوشش نمودم که در حدود قوانین موضوعه مملکت، تقاضاهای آقایان نمایندگان آذربایجان را تأمین نمایم، به طوری که پس از صدور ابلاغیه مورخ ۱۳۲۵/۲/۱ و انتشار مواد هفت گانه دولت، از طرف بعضی محافل مورد ایراد واقع شدم که تصور نمودند رویه این جانب حتی از حدود قوانین موضوعه نیز تجاوز نموده است. در نتیجه مذاکرات پانزده روزه اخیر، با آنکه از حسن نیت آقایان نمایندگان آذربایجان اعتماد داشته و دارم، متأسفم که بعضی از تقاضاهای آنان از حدود اختیارات قانونی و مواد هفت گانه دولت خارج بوده و بدین جهت تا پیدا شدن راه حل، جریان مذاکرات به تعویق افتاده و آقایان نمایندگان به تبریز مراجعت نمودند...»<sup>۱۰</sup>

بعد از مراجعت پیشه‌وری و همراهان وی به تبریز و به توافق نرسیدن با دولت مرکزی، قطع موقتی مذاکرات حربهای به دست مخالفان دولت قوام داد. در این میان، بیش از تمام گروه‌های سیاسی، حزب عدالت به رهبری علی دشتی و جمال امامی فعالیت می‌کردند و همه‌روزه در مرکز حزب عده بسیاری اجتماع می‌نمودند و مبارزه خود را با دولت قوام علنی می‌ساختند.

در پی این مخالفت‌ها و اعتراضات، قوام اعلامیه‌ای تند منتشر ساخت و سپس به اقدامات شدیدی از جمله بازداشت علی دشتی و جمال امامی دست زد. قوام، برای ادامه مذاکرات با پیشه‌وری در جهت خاتمه دادن هرچه زودتر مسئله آذربایجان، در ۲۱ خرداد همان سال، یک هیئت سیاسی و نظامی را به ریاست مظفر فیروز به تبریز رهسپار کرد. پس از مذاکرات مفصل بین دو طرف، موافقت‌نامه‌ای در ۲۳ خرداد تنظیم و امضا شد که در حقیقت توضیح و تکمیل ابلاغیه هفت ماده‌ای نخست‌وزیر در ۲ اردیبهشت بود. پس از امضا و مبادله موافقت‌نامه بین مظفر فیروز و سید جعفر پیشه‌وری، انجمن ایالتی آذربایجان، دکتر سلام‌الله جاوید را برای استانداری آذربایجان پیشنهاد نمود. این پیشنهاد در هیئت دولت مطرح و با موافقت روبه‌رو شد. وزارت کشور این فرمان را صادر کرد که به امضای

شاه نیز رسید. با وجود این پیشه‌وری نه حاضر بود از حکومت آذربایجان و عنوان «باش‌وزیر» یا نخست‌وزیر آذربایجان دست بردارد و نه نظارت مرکز را بر نیروهای مسلح آذربایجان می‌پذیرفت.

### افتتاح مجلس دوره پانزدهم

فرمان انتخابات دوره پانزدهم مجلس شورای ملی در روز ۱۴ مهرماه ۱۳۲۵ صادر شد، ولی عملاً از دی‌ماه آن سال اقدامات لازم برای انتخابات انجام گشت و سرانجام مجلس ساعت ۹ صبح روز ۵ شنبه ۲۵ تیرماه افتتاح شد. اکثر نمایندگان مجلس به نخست‌وزیری مجدد قوام‌السلطنه رأی دادند. قوام، پس از معرفی هیئت دولت و اخذ رأی اعتماد از مجلس، در جلسه مورخ ۲۹ مهرماه ۱۳۲۶، ضمن گزارش مفصلی درباره اقدامات خود برای تخلیه ایران از نیروهای شوروی و حل مسئله آذربایجان، موافقت‌نامه تشکیل شرکت مختلط نفت ایران و شوروی را به مجلس تقدیم کرد و تقاضای تصویب آن را نمود.

با مقدماتی که از قبل در مجلس فراهم شده بود چند تن از نمایندگان با موافقت‌نامه نفت مخالفت کردند و آن را مغایر مصوبه مجلس چهاردهم درباره خودداری از دادن امتیاز نفت به خارجیان تشخیص دادند. سپس ماده واحده‌ای به امضای عده‌ای از نمایندگان، به شرح ذیل تقدیم مجلس گردید: «ماده واحده: الف- نظر به اینکه آقای نخست‌وزیر با حسن نیت و در نتیجه استنباط از مفاد ماده دوم قانون مصوب ۱۱ آذرماه ۱۳۲۳ اقدام به مذاکره و تنظیم موافقت‌نامه مورخ ۱۵ فروردین ۱۳۲۵ در باب ایجاد شرکت مختلط نفت ایران و شوروی نموده‌اند، و نظر به اینکه مجلس شورای ملی استنباط مزبور را منطبق با مدلول و مفهوم واقعی قانون سابق‌الذکر تشخیص نمی‌دهد، مذاکرات و موافقت‌نامه فوق را بلا اثر و کان لم یکن می‌داند. ماده سوم ابلاغیه ۱۵ فروردین ۱۳۲۵ نیز کان لم یکن می‌باشد.

ب- دولت باید موجبات تفحص فنی و علمی را به منظور اکتشاف معادن نفت فراهم آورد و در مدت پنج سال نقشه‌های کامل فنی و علمی مناطق نفت‌خیز کشور را ترسیم و تهیه نماید تا مجلس شورای ملی با استحضار و اطلاع کامل از وجود نفت به مقدار کافی بتواند ترتیب بهره‌برداری بازرگانی از این ثروت ملی را به وسیله تصویب قوانین تعیین کند.

ج- واگذاری هرگونه امتیاز استخراج نفت کشور و مشتقات آن به خارجی‌ها و ایجاد هر نوع شرکت برای این منظور که خارجی‌ها به وجهی از وجوه سهیم باشند، مطلقاً ممنوع است.

د- در صورتی که بعد از تفحصات فنی مذکور در بند «ب» وجود نفت به مقدار قابل استفاده بازرگانی در نواحی شمالی ایران مسلم گردد، دولت مجاز است

در باب فروش محصولات آن به اتحاد جماهیر شوروی با آن دولت وارد مذاکره شود و نتیجه را به اطلاع مجلس شورای ملی برساند.

ه- دولت مکلف است در کلیه مواردی که حقوق ملت ایران نسبت به منافع ثروت کشور، اعم از منابع زیرزمینی و غیر آن، مورد تضییع واقع شده است، به‌خصوص راجع به نفت جنوب، به منظور استیفای حقوق ملی مذاکرات و اقدامات لازمه را به عمل آورد و مجلس شورای ملی را از نتیجه آن مطلع سازد»<sup>۱۱</sup>

این طرح با رأی اکثر نمایندگان (۱۰۲ رأی از ۱۰۴ نفر عده حاضر در جلسه) تصویب شد و قوام‌السلطنه نتیجه رأی مجلس را طی نامه‌ای به تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۲۶ به سفارت شوروی ابلاغ نمود.

سادجیکف، در پاسخ قوام، طی نامه شدیداللحنی خطاب به نخست‌وزیر، به تاریخ ۲۰ نوامبر ۱۹۴۷ م، اقدام دولت و مجلس ایران را نقض عهد و خصمانه خواند و مسئولیت عواقب امر را بر عهده دولت ایران گذاشت. قوام‌السلطنه پاسخ دیپلماتیک و مؤدبانه‌ای به این نامه داد، ولی سادجیکف مجدداً طی یادداشتی به تاریخ ۱ دسامبر ۱۹۴۷ م، ضمن تأیید متن نامه قبلی خود، نوشت: «توضیحات دولت ایران کوشش بیهوده‌ای برای مشروع جلوه دادن نقض عهدشکنانه دولت ایران می‌باشد»<sup>۱۲</sup>

شوروی که در این میان شکست خورده بود سیاست حمله به قوام را در دستور کار قرار داد، اما آنچه در این میان اهمیت داشت حل شدن مسئله آذربایجان و خالی شدن خاک ایران از قوای شوروی با سیاست‌های قوام بود.

### پی‌نوشت‌ها

- ۱- محمد خان ملک یزدی، غوغای تخلیه ایران، تهران: سلسله، ۱۳۶۲، صص ۲۰-۱۹
- ۲- درباره سوم شهریور و نقش ایران در جنگ جهانی دوم، تهران: مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی، ۲۵۳۶
- ۳- یالتا پتسدام، اسناد کنفرانس‌های تهران، ترجمه حسن مفیدی، تهران: پارت، ۱۳۶۰، صص ۴۱۸
- ۴- حسین مکی، نفت و نطق مکی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵، صص ۲۱
- ۵- باقر عاقلی، میرزااحمدخان قوام‌السلطنه (در دوران قاجاریه و پهلوی)، تهران: جاویدان، ۱۳۷۶، صص ۳۷۷
- ۶- محمود طلوعی، بازیگران عصر پهلوی (از فروغی تا فردوست)، تهران: نشر علم، ۱۳۷۲، صص ۳۲۳-۳۲۰
- ۷- همان، صص ۳۲۵-۳۲۳
- ۸- باقر عاقلی، همان، صص ۳۹۹-۳۹۸
- ۹- جعفر مهدی نیا، نخست‌وزیران ایران (زندگی سیاسی قوام‌السلطنه)، تهران: بانوس، ۱۳۷۰
- ۱۰- همان، صص ۴۱۴-۴۱۳
- ۱۱- محمود طلوعی، همان، صص ۳۴۱-۳۳۹
- ۱۲- همان، صص ۳۴۲